

اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان علیهم‌السلام

علی خیاط*

محمدعلی مهدوی راد**

چکیده

نیایش‌های معصومان فصلی فربه از فرهنگ زندگی ایشان است. از آنجا که پیوند اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن جاودانه است، بی‌گمان، قرآن - بیش از هر منبعی - خاستگاه اندیشه‌ها و رفتارشان در هر بخش از سیره گفتاری و رفتاری، از جمله «دعا» است. دعا، میراثی گرانسنگ و ذخیره‌ای ارجمند از آموزهای بنیادین دینی است، که با بهره‌گیری از قرآن فراز آمده است و آینه وار، اندیشه‌های قرآنی آنان را بازتاب می‌دهد و با زبانی خاص که در آن مخاطب خداست، بسیاری از معارف قرآن را باز می‌گوید. اثبات این مدعا، نیازمند کاویدن گونه‌های این تجلی‌وانگیزهای این وام‌گیری است. مقاله پیش روی با مقدماتی چند، گونه‌ای از این تجلیات را در حد و سع بر می‌رسد تا خواننده محترم را با انگیزه‌ها و برکات این وام‌گیری تا حدودی آشنا سازد.

کلید واژه‌ها: اقتباس، ادعیه مأثور، قرآن در ادعیه، صنایع ادبی.

درآمد

در سیره درخشان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام، گفتار حکیمانه و دلنشین آنها، بخش مهمی از فرهنگ زندگی آنهاست. در این بخش، دعاها و مناجات‌های آنان فصل برجسته و بالنده‌ای را تشکیل می‌دهد. اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان جانشینان برحق پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از هر سوی، اسوه و مقتدای ما شمرده می‌شوند و یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی آنها همین پیوند با پروردگار هستی و نیایش با اوست. حاصل آن میراث معنوی گران‌بها و

* دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

** دانشیار دانشگاه تهران (پردیس قم).

ذخیره فرهنگی ارجمندی است که به راستی می‌توان آنها را مدرسه بزرگ،^۱ مکتب غنی و منبع مطمئن و سرشار از آموزه‌های بنیادین در زمینه عقاید، عرفان، اخلاق، راهکارهای برین زندگی، و فرهنگ ناب پاک سازی و بهسازی نام نهاد.

مفهوم شناسی دعا

«دعا» در لغت به معنی صدا زدن،^۲ به یاری طلبیدن،^۳ به امری تشویق کردن^۴ و در اصطلاح اهل شرع، گفت و گو کردن با حق تعالی، به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست^۵ که در این مقال، همین مقصود اصطلاحی از دعا مراد است.

خاستگاه دعاهای ماثور

«نیایش» در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام تنها یک درخواست خشک و بی روح نیست؛ حتی بالاتر، یک عبادت معمولی هم نیست، «دعا» در این فرهنگ باطن قرآن است؛ چنان که امام خمینی رحمته‌الله به نقل از استاد خود آنها را قرآن صاعد می‌خواند؛ یعنی آنها را برگرفته از قرآن و وحی الهی می‌دانست که از زبان معصومان علیهم‌السلام و اولیای ممتاز خدا، به سوی ملکوت صعود می‌کند. امام امت رحمته‌الله در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود فرموده‌اند:

ما مفتخریم که ادعیه نجات بخش، که آن را قرآن صاعد می‌خوانند، از ائمه معصومین ماست.^۶

دعاهای به جا مانده از پیامبر و یا امامان، الهامی است از قرآن حکیم و تعبیری دیگر

۱. از علامه امینی نقل شده است که: «اسلام برای مسلمانان مدرسه‌ای تاسیس کرده است که درب این مدرسه دولنگه دارد و هیچ لنگه آن در عالم لنگه ندارد، یکی دعا و دیگری زیارت».

۲. العین، ج ۲، ص ۲۲۱، ماده دعا؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷، ماده دعا.

۳. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴. المفردات، ماده دعوت.

۵. المصباح المنیر، ص ۱۷؛ قال أبو اسحق فی قوله: أجيبت دعوة الداع إذا دعان؛ معنی الدعاء لله علی ثلاثة أوجه: فضربت منها توحید و الثناء علیه كقولك: یا الله لا إله إلا أنت، و كقولك: ربنا لك الحمد، إذا قلته فقد دعوته بقولك ربنا، ثم أتيت بالثناء والتوحيد، ومثله قوله: وقال ربكم ادعوني أستجب لكم إن الذين يشككون عن عبادتي؛ فهذا صؤب من الدعاء، والضرب الثاني مسألة الله العفو والرحمة وما يقرب منه كقولك: اللهم اغفر لنا، والضرب الثالث مسألة الحظ من الدنيا كقولك: اللهم ارزقني مالا وولداً، وإنما سمي هذا جميعه دعاء لأن الإنسان يصدر في هذه الأشياء بقوله یا الله یا رب یا رحمئ، فلذلك سمي دعاء آر. ك: لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

۶. وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی رحمته‌الله، ص ۳.

است از همان اندیشه‌ها و مفاهیمی که در قرآن آمده و در عین حال، واگویی‌ای است از دعایی که در دوران‌های پیش از اسلام، نازل شده‌اند. این دعاهایی که از طریق راویان ثقه به ما منتقل شده و در زبان‌ها و دست‌ها، نسل در نسل گردیده، در واقع پژواک و انعکاس معارف قرآنی است. پس هنگامی که قرآن بر آن دل‌های پاک - که ظرف معارف قرآن بودند - نازل شد، این معارف بر زبان‌های آنان جاری شد و با دعا‌های خود آن را بیان کردند. بنا بر این، ممکن نیست که این دعاها از قرآن گسسته شوند. کارشناسان بزرگ معارف الهی بر آن هستند که دعاهایی که از معصومان علیهم‌السلام رسیده است، هر کدام مقامی از مقامات انشایی و علمی ائمه دین است.^۷ امام امت علیه‌السلام می‌فرماید:

... آن قدر معارف در ادعیه هست که احصا نمی‌توان کرد، لسان قرآن است. ادعیه، شارح قرآن هستند، مردم را نباید جدا کرد از دعا...، قرآن و دعا از هم جدا نیستند همان طور که پیامبر هم از قرآن جدا نیست، ادعیه و قرآن و این‌ها همه با هم‌اند، و نباید از این برکات مردم را دور کرد، باید مردم را به این سفره پهن الهی که قرآن و سنت و ادعیه باشد، دعوت کرد، تا هر کس به اندازه خودش استفاده بکند.^۸

پس آبشخوری که اندیشه‌های امامان از آنها سرچشمه گرفته و بیشترین تأثیر را بر فکر و روح آن انوار پاک گذاشته، قرآن کریم است. البته این امری طبیعی است؛ چه آن که از سویی پیوند قرآن و عترت پیوندی ازلی و ابدی و همیشگی است که در اصل و ذات، از یک گوهرند و چون یک روح در دو کالبد، در حشر و نشر و نیز قیامت، آن دو به هم پیوسته‌اند. گواه این مدعا حدیث متواتر «ثقلین» و روایات صحیح‌السند فراوان دیگری از قبیل حدیث «معیت» و غیر آن است و از دیگر سوی، انس و ویژه آن قدسیان با قرآن کریم از زمان کودکی، روح و جان‌شان را در پرتو وحی شکل داده و قرآن را بر ذهن و اندیشه آنان چیره ساخته است. سیره زندگی درخشان‌شان در عمل آکنده از دستورهای قرآن بود، هرگز از قرآن - از نظر فکر و گفتار و عمل در همه ابعاد - جدا نشدند، بلکه تندیس قرآن و به عبارت روشن‌تر، تجلی‌گاه قرآن و مفسران همدم آن بوده‌اند؛ از این رو، به عنوان قرآن ناطق معرفی شده‌اند. چند نمونه از این انس و پیوند که وام‌گیری ایشان را از قرآن هویدا و مبرهن می‌سازد، از نظر می‌گذرانیم:

۷. رساله نور علی نور، ص ۳۱.

۸. تفسیر سوره حمد، ص ۱۹۲.

امام سجاد علیه‌السلام فرمود:

اگر همه موجودات و انسان‌ها، از شرق تا غرب جهان بمیرند و من تنها بمانم، مادامی که که قرآن با من باشد، هیچ گونه وحشتی نخواهم داشت.^۹

این موضوع جلوه عینی همان سخنی است که حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

کسی که با تلاوت قرآن انس و الفت گرفت، از جدایی دیگران به وحشت نمی‌افتد.^{۱۰}

ابن الصباغ مکی مالکی، به نقل از علی بن احمد واحدی، در تفسیر خود آورده است که مردی وارد مسجد رسول الله شده و ملاحظه کرد که شخصی مشغول نقل حدیث از پیامبر است. مردم اطراف او را گرفته، به سخنانش گوش می‌دادند. از او پرسید: مراد از شاهد و مشهود - در آیه شریفه سوره بروج - چیست؟ پاسخ داد: «شاهد» روز جمعه و «مشهود»، روز عرفه است. از او گذشته، با دیگری - که او نیز به نقل حدیث پرداخته بود - سؤال خود را تکرار کرده از او پرسید که: مراد از شاهد و مشهود چیست؟ وی پاسخ داد: «شاهد» روز جمعه است و اما مشهود، روز عید قربان است. از کنار آن دو نفر گذشته، گذرش به نوجوانی خوب روی افتاد که او نیز در مسجد، کلاس درس تشکیل داده بود. پس از او در باره شاهد و مشهود پرسید. وی در پاسخ گفت: شاهد، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و اما مشهود، روز قیامت است. آن گاه برای گفته خود، این چنین استدلال کرد: آیا سخن پروردگار را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا^{۱۱}

ای پیامبر، ما تو را به عنوان شاهد و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم.

ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ^{۱۲}

روز قیامت روزی است که همه مردم برای آن جمع می‌شوند و آن روز، روزی است که مشهود همگان است.

راوی گوید: سپس از نام شخص اول پرسید، گفتند: ابن عباس است و از دومی پرسید،

۹. اصول الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۱۰. غرر الحکم، باب المیم.

۱۱. سوره احزاب، آیه ۴۵.

۱۲. سوره هود، آیه ۱۰۳.

گفتند: ابن عمر است و از شخص سوم کہ پرسید، گفتند: وی، حسن بن علی بن ابی طالب است.^{۱۳}

طرفه آن کہ بر طبق نقل علامه مجلسی در بحار الانوار و کشف الغمہ، این شخص تفسیر امام را از شاهد و مشہود، بر دیگر تفسیرها - کہ از عبد اللہ بن عباس و عبد اللہ بن عمر شنیدہ بود - ترجیح دادہ و آن را پسندیدہ بود.^{۱۴} شاید دلیل این پذیرش، استدلال قوی امام بہ دو آیہ شریفہ بودہ است.

نیز روایت شدہ کہ یکی از کنیزان آن حضرت، شاخہ گلی بہ امام حسن علیہ السلام اهدا کرد. حضرت، کنیز را آزاد نمود. یکی از حاضران بہ امام عرض کرد: بہ راستی بہ خاطر یک شاخہ گل بی ارزش، کنیز را آزاد کردی؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

قرآن ما را چنین تربیت کردہ، آن جا کہ می فرماید:

وَ إِذَا حُيِّئْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا؛^{۱۵}

ہنگامی کہ کسی بہ شما تحیت گوید، پاسخ او را بہ طور بہتر یا همان گونه بدهید.

از این رو، پاسخ بہتر همان آزاد کردن اوست.^{۱۶}

امام حسین علیہ السلام عصر تا سوعا، برادرش حضرت عباس علیہ السلام را در کربلا نزد دشمن فرستاد تا بہ آنها چنین پیام دہد:

امشب را بہ ما مہلت دہید؛ زیرا: «ہو یعلم انی أحب الصلاة له و تلاوة کتابہ؛ خداوند می داند و گواہ است کہ من نماز و تلاوت قرآن را دوست دارم». امشب را بہ خاطر انجام نماز و تلاوت قرآن بہ ما مہلت دہید.^{۱۷}

امام صادق علیہ السلام نیز بہ گونه ای آیات قرآن را در نماز تلاوت می کرد کہ از خود بی خود شدہ، بہ اوج قله معنویت صعود می کرد. روزی یکی از حاضران از او پرسید: این چہ حالی بود کہ بہ شما دست داد؟ فرمود:

پیوستہ آیات قرآن را تکرار کردم تا این کہ بہ حالتی رسیدم کہ گویی آن آیات را

۱۳. الفصول المهمہ، ج ۲، ص ۲۰۷؛ کشف الغمہ، ج ۲، ص ۱۶۶.

۱۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۵.

۱۵. سورہ نساء، آیہ ۸۶.

۱۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۸۳.

۱۷. تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۳۷؛ نفس المهموم، ص ۱۰۰.

به طور مستقیم از زبان نازل کننده‌اش شنیده‌ام.^{۱۸}

از الفت حضرت رضا علیه‌السلام با قرآن این که هر سه روز یک بار تمام قرآن را تلاوت می‌کرده و می‌فرمود:

اگر خواسته باشم که در کمتر از سه روز قرآن را ختم کنم می‌توانم، ولی هرگز هیچ آیه‌ای را نخوانده‌ام، مگر این که در معنای آن اندیشیده و در باره این که آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده، فکر کردم. از این رو، هر سه روز قرآن را می‌خوانم، و گرنه، کمتر از سه روز، همه آن را تلاوت می‌کردم.^{۱۹}

آنچه گفته آمد، اندکی از بسیار و در حد گنجایش این مقاله بود، نه احصای آن در سیره امامان؛ که بیرون از شمار است. در سخن و منش دیگر پیشوایان نیز با کمال وضوح دیده می‌شود که همواره به قرآن دل بسته و با آن در فکر و عمل، انس مخصوص داشته و تحت تأثیر آن بوده‌اند. بدین جهت، دعاها و مناجات‌های اهل بیت - که فصل برجسته و بالنده‌ای از فرهنگ ایشان را تشکیل می‌دهد - بارزترین عرصه جلوه و ظهور قرآن کریم و منعکس کننده اوج تأثیرپذیری آن بزرگواران از منشور جاویدان آسمانی است.

گونه‌های تأثیرپذیری

به طور کلی دو نوع تأثیرپذیری از قرآن در ادعیه منسوب به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دیده می‌شود؛ یکی تأثیرپذیری آشکار (مستقیم)، و دیگری تأثیرپذیری پنهان (غیر مستقیم). منظور از تأثیرپذیری پنهان، آن است که امامان علیهم‌السلام با توجه به انس ویژه‌ای که با قرآن دارند، افکار، مضامین و موضوعات را از قرآن می‌گیرند و در پرتو فرهنگ قرآن آنها را می‌پروراند و توضیح می‌دهند. در نتیجه، در این نوع بهره‌گیری، قرآن مجید، به طور کلی به لحاظ محتوا و گاهی ساختار، خاستگاه سلسله‌ای از اندیشه‌ها و افکار و باورها در زمینه حقایق دینی قرار می‌گیرد که روح کلی آن از قرآن الهام گرفته و در بستر دعا، در قالب افکار و اندیشه‌های ناب پدیدار می‌گردد. در عین حال، صریحاً به قرآن مستند نمی‌شود. بهره‌گیری دعا از قرآن بدین شیوه بسیار گسترده است و مجالس بس و واسع برای بررسی می‌طلبند که صد البته از حوصله مقالاتی از این دست بیرون است.

اما مقصود از تأثیرپذیری مستقیم - که به آن می‌توان اثرپذیری گزاره‌ای هم گفت - آن

۱۸. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۸

۱۹. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۰.

است که صاحب سخن عبارت یا جمله ای قرآنی را در کلام خود بیاورد. این شیوه به زبان اهل بلاغت خود به سه گونه تصریح، تلمیح (اشاره) و اقتباس (تضمین) بخش پذیر است:

الف. تصریح

نخستین گونه کارکرد آیات قرآن در ادعیه «تصریح» است. در این گونه به صورت کاملاً آشکار و در قالبی جداگانه از دعا، آیه ای از قرآن ذکر می شود. نمونه آن را در دعای امام سجاد علیه السلام بنگرید: در دعایی که امام علیه السلام به منظور صلوات بر پیامبر و خاندان پاکش انشا فرموده است، در بندی ابتدا به اوصاف و افعال نیک پیامبر اشاره می کند و سپس به مناسبت زحمات طاقت فرسای وی برای امت و تبلیغ رسالت، صبر بی نظیر پیامبر در مسیر هدایت امت را یاد آوری می کند؛ کوششی شبانه روزی و بی وقفه در این مسیر که در حدی بس فراتر از وظیفه اش بود. پیامبر در این راه تا آنجا پیش می رود که خداوند، او که خود وی را به همین منظور مبعوث کرده است، صریحاً دستور می دهد این همه زحمت لازم نیست، آنها را رها کن؛ چه این که بیش از این وظیفه ای نداری و بر تو ملامتی نیست؛ می فرماید:

و بلغ مجهود الصبر فی اظهار حقک، و اثر الجد علی التقصیر و الریث فی امرک ابتغاء
الوسیلة عندک، و الزلفة لدیک و طول الخلود فی رحمتک،^{۲۰} حتی قلت له: فَتَوَلَّ
عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ.^{۲۱}

امام علیه السلام در این نمونه، با عبارت «حتی قلت له» آیه را از کلام خود جدا می کند.^{۲۲}

ب. تلمیح (اشاره)

در تعریف این اصطلاح در فن بدیع گفته اند:
در فحوای گفتار به داستان، یا شعر یا مثلی، بی آن که اصل آنها ذکر شود،
اشاره گردد.^{۲۳}

اشاره به آیات قرآن، بدون ذکر آنها از مصادیق تلمیح است. از آنجا که منبع اصلی و سرچشمه زلال ادعیه ائمه علیهم السلام قرآن است، بیشترین انعکاس قرآن در دعا به صورت تلمیح

۲۰. دعای ۱۰ و ۳۳ صحیفه سجاده.

۲۱. سوره نازعات، آیه ۵۴.

۲۲. تصریحات آیات در ادعیه منسوب به ائمه اطهار علیهم السلام بالغ بر پانصد مورد است.

۲۳. التمریفات، ص ۵۸؛ مختصر المعانی، ص ۳۱۲.

است. نمونه آن در دعای اول صحیفه سجادیه چنین است: امام علیه‌السلام در دو بند از این دعا با اشاره به رزاقیت خداوند و حاکمیتش بر بندگان عرضه می‌دارد که روزی بندگان دست خداست؛ کسی را قدرت کاستن یا افزودن آن نیست؛ همچنان که حساب عمر انسان‌ها هم در اختیار اوست و کسی را توان تغییر اجل نیست؛ می‌فرماید:

وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ،
وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ ثُمَّ صَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ لَهُ
أَمَدًا مَحْدُودًا.^{۲۴}

بند نخست، تلمیحی است به چندین آیه از قبیل آیه ۲۶ سوره رعد؛ آیه ۳۰ سوره اسراء؛ آیه ۲۱ سوره حجر؛ آیه ۱۲ سوره شوری؛ آیه ۳۹ سوره سبأ؛ آیه ۶۱ سوره هود و... و بند دوم، حداقل به دو آیه تلمیح دارد؛ آیه ۱۴۵ سوره آل عمران و آیه ۳۴ سوره اعراف.^{۲۵}

ج. اقتباس (تضمین)^{۲۶}

در فن بدیع، عبارت از آوردن آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیث است؛ بی آن که تصریح به اسناد شود؛ یعنی نگوید: «قال الله كذا» یا «قال رسول الله كذا»^{۲۷} که پاره‌ای آن را اقتباس نامیده و گروهی دیگر تضمین.^{۲۸} این شیوه نیز به نوبه خود بر دو گونه است:

یکم. اقتباس صریح، در این شیوه، گوینده، گزاره‌ای (عبارتی قرآنی) را با همان ساختار، بی هیچ گونه تغییر یا با اندک دگرگونی، در سخن خود می‌آورد.^{۲۹}

دوم. اقتباس انشاری^{۳۰} (حل یا تحلیل)، در این گونه گزاره‌ای قرآنی (آیه) در متن آورده می‌شود؛ با ایجاد تغییر در لفظ یا ترکیب که نمونه‌های این دورا در ادامه خواهیم آورد؛ چه این که مقصود اصلی در این مقاله بررسی وام‌گیری دعا از قرآن کریم بدین شیوه است.

انگیزه‌های اقتباس در دعا

بهره‌گیری ادعیه از قرآن بدین شیوه، با انگیزه‌های گوناگون انجام می‌گیرد: به قصد

۲۴. صحیفه سجادیه، دعای نخست.

۲۵. تعداد تلمیحات در ادعیه معصومان افزون از شماراست.

۲۶. والاقتباس عندهم تضمین الكلام - نثرأكان أو شعراً - شيئاً من القرآن أو الحديث، من غير دلالة على أنه منهما.

۲۷. مختصر المعانی، ص ۳۰۸.

۲۸. وغالب علماء البلاغة وغيرهم من أهل علوم القرآن وشرح الحديث وكثير من الفقهاء يسمون هذا الفن البلاغی - الاقتباس - تبعاً للرازی وثمة جماعة يسمونه - التضمین - منهم ضياء الدين ابن اثیر (رك: الاقتباس؛ انواعه واحكامه).

۲۹. تجلی قرآن وحدیث در شعر فارسی، ص ۳۰.

۳۰. اثر القرآن الکریم فی الشعر الاندلسی، ص ۳۲؛ معجم آیات الاقتباس، ص ۸.

تَبْرَكَ وَتَيَمَّنَ (یعنی با آوردن سخن خداوند به سخن خویش مبارکی و برکت بخشیدن)، به قصد تحمید و تهلیل و تسبیح (یعنی با بهره‌گیری از آیات به مدح و ثنای خدا یا اقرار به توحید یا پیراستن خدای تعالی از نقص و کاستی اقدام کردن)، به قصد تبیین و توضیح (یعنی با آوردن عبارت قرآنی مقصود خویش را آشکارتر ساختن)، به قصد تعلیل و توجیه (یعنی آیه‌ای را بر سخن خویش دلیل آوردن)، به قصد تحریض و تحذیر (یعنی با آوردن عبارتی قرآنی خواننده را به چیزی تحریض و تشویق کردن یا از چیزی تحذیر و زنهاردادن)، به قصد استشهاد و استناد (یعنی مقصود خویش را به کلام خدا مستند کردن و سخن خدا را شاهد آن ساختن)، به قصد جری و تطبیق (یعنی عبارت قرآنی را بر مصادیق جدید غیر از مصادیق زمان نزول تطبیق کردن)، به قصد تزیین و تجمیل (یعنی کلام خویش را با گزاره‌های قرآنی آراستن و زیبا ساختن) و... پیداست که چه بسا پاره‌ای از این‌ها با هم یک جا نیز زمینه ساز اقتباس گزاره‌ای قرآنی می‌توانند باشند.

تعداد گزاره‌های قرآنی مقتبس در ادعیه بسیار گسترده و انگیزه‌ها نیز بسی فزون‌تر از آن است که گفته آمد؛ به عنوان مثال تنها در ادعیه منسوب به امیر مؤمنان علیه السلام، آیات مقتبس بالغ بر ۲۵۰ مورد به انگیزه‌های مختلف است. و اینک نمونه‌ها:

۱. توصیف و تبیین و تعلیل

امیر مؤمنان علیه السلام در دعایی منسوب به وی، قبل از درخواست حاجت خودش - که آمرزش گناهان است - حدود بیست بار به اسمای حسنی الهی متوسل شده و در هر توسل وصفی از اوصاف کمالی پروردگار را یادآوری می‌کند. در این موارد، بیش از نه بار، بخش‌هایی از آیات - که توصیف پروردگار است - و به اسمی از اسمای حسنی وی و صفات کمال اشاره دارد، اقتباس شده که سندی گویا از ارتباط تنگاتنگ و انس ویژه آن حضرت با قرآن کریم است. این اقتباس‌ها به منظور توصیف و تبیین صفات پروردگار و تعلیل بر توسل‌های مکرر حضرت است. می‌فرماید:

اعتصمت بالله الذی لا اله الا هو، القائم علی کل نفس بما کسبت.^{۳۱} اعتصمت بالله الذی لا اله الا هو، لا تاخذہ سنۃ و لا نوم،^{۳۲} اعتصمت بالله الذی لا اله الا هو، الرحمن

۳۱. سوره رعد، آیه ۳۳.

۳۲. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

على العرش استوى،^{۳۳} يعلم خائنة الاعين وما تخفى الصدور،^{۳۴} اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو، له ما فى السموات وما فى الارض وما بينهما وما تحت الثرى،^{۳۵} ... اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو، الواحد الاحد (الفرد) الصمد الذى لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احداً،^{۳۶} ... اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو يسبح له ما فى السماوات وما فى الارض كل له قانتون...^{۳۷} اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو، عليه توكلت وهو رب العرش العظيم...^{۳۸}

۲. معرفی انسان کامل و سیمای قرآنی مؤمن

در دعای روز بیست و یکم ماه، منسوب به امام علی علیه السلام، در سراسر دعا به دو سبک اقتباس صریح و حلی (نصی و اشاری) ده‌ها آیه قرآن را اقتباس کرده است. امام در هر بند تقاضایی را مطرح می‌کند و از خدا می‌خواهد او را در زمره نیکانی که در آیات متعدد قرآن از ایشان به نیکی یاد شده و اوصاف آنان برشمرده شده است، قرار دهد. او در هر بند، آیات مربوط به مؤمنان رستگار و نیکوکار را اقتباس کرده و در واقع در این دعا با استفاده از قرآن کریم سیمای انسان کامل و مؤمن واقعی را ترسیم کرده است؛ می‌فرماید:

اللهم اجعلنى من الذين يؤمنون بالغيب، و يقيمون الصلاة، و مما رزقناهم ينفقون،^{۳۹} و اجعلنى على هدى،^{۴۰} و اجعلنى من المهتدين،^{۴۱} و لقنى الكلمات التى لقتها آدم، فتبت عليه إنك أنت التواب الرحيم،^{۴۲} اللهم اجعلنى ممن يقيم الصلاة و يؤتى الزكاة،^{۴۳} و اجعلنى من الخاشعين، الذين يستعينون بالصبر و الصلاة،^{۴۴} و اجعلنى من الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون،^{۴۵} اللهم اجعلنى من الصابرين الذين إذا

۳۳. سوره طه، آیه ۵.

۳۴. سوره غافر، آیه ۱۹.

۳۵. سوره طه، آیه ۶.

۳۶. سوره بقره، آیه ۱۱۶.

۳۷. سوره توبه، آیه ۱۲۹.

۳۸. الصحیفه العلویة الجامعه، دعای ۲۰، ص ۷۲-۷۴؛ مهج الدعوات، ص ۱۳۳؛ مصباح المتبهجد، ص ۴۳۳؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۹۳.

۳۹. سوره بقره، آیه ۳.

۴۰. سوره بقره، آیه ۵.

۴۱. سوره انعام، آیه ۸۲.

۴۲. سوره بقره، آیه ۳۷.

۴۳. سوره نمل، آیه ۳؛ سوره لقمان، آیه ۴؛ سوره مائده، آیه ۵۵.

۴۴. سوره بقره، آیه ۴۵.

۴۵. سوره یونس، آیه ۶۲. در این آیه نفی خوف و حزن، وصف اولیاء الله آمده است و در سیزده آیه دیگر وصف محسنان،

أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله وإنا إليه راجعون،^{۴۶}...

در ادامه این دعا امام علیه السلام حد اقل سی آیه دیگر را بر شیوه پیش گفته اقتباس کرده، صورت‌گیری خویش از سیمای انسان کامل را کامل می‌کند.^{۴۷} به راستی این دعا تجلی گاه درخشانی از شخصیت قرآنی آن امام همام است.

۳. مناجات و تفسیر

در دعای معروف صباح در مقام مناجات و شمردن نعمت‌های الهی و مظاهر قدرت پروردگاردو آیه را به صورت حلی اقتباس کرده است، می‌فرماید:

وانهرت المياه من الصم الصياخيد عنياً واجاجاً وانزلت من المعصرات ماء ثجاجاً،^{۴۸} و جعلت الشمس والقمر للبرية سراجاً وهاجاً،^{۴۹} من غير ان تمارس فيما ابتدأت به لغوباً ولا علاجاً.^{۵۰}

در این دعا، مراد از «سراج وهاج» مشخص شده که خورشید و ماه است.

۴. جری و تطبیق

در دعایی منسوب به حضرت زهرا علیها السلام، در تعقیب نماز عشا، حضرت با تسبیح و تحمید خدا و ذکر صفات جمال و جلال شروع می‌کند. سپس در قالب مناجات، مطالب متعددی را از خداوند درخواست می‌کند، و آن گاه که دعایش به نقطه اوج خودش می‌رسد، با اقرار به این که خدا در هر مشکلی بهترین پناه و برترین وکیل است، به دعای خودش جهت قرآنی می‌دهد و با اقتباس نه آیه قرآن، طراوتی خاص به دعا بخشیده و حاجات خودش را از لسان آیات مطرح می‌کند. این آیات گرچه از لسان بعضی از پیامبران گذشته و صالحان و یا غیر صالحان گفته شده، صدیقه طاهره مفاد آنها را از مصادیق قبلی اش (که انسان‌های قبل از او و خواهش‌های آنها بوده) به مصادیق جدید (خودش و خواست‌هایش) انصراف می‌دهد و با این تطبیق جانی تازه به آیات بخشیده، آنها را در زمان

منفقان، صالحان، مؤمنان، استواران بر راه حق، عبادالله و شهیدان نیز قرار گرفته است. در این دعا هر یک از این گروه‌ها یا همه آنان می‌تواند مراد باشد.

۴۶. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۴۷. ر.ک: الصحیفة العلویة، دعای ۲۱۶، ص ۳۵۵-۳۵۲؛ الدرر الوافیة، ص ۱۱۱؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۱۳.

۴۸. سوره نبأ، آیه ۱۴.

۴۹. سوره نبأ، آیه ۱۳.

۵۰. الصحیفة العلویة الجامعة، دعای ۲۵۴، ص ۴۶۳؛ بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۳۳۹؛ ج ۹۱، ص ۲۴۳، به نقل از مصباح ابن باقی.

خودش هم جاری می‌کند؛ می‌فرماید:

... عز جارك، و جل ثناوك، و تقدست اسموك، و لا اله غيرك حسبي انت في السراء
والضراء والشده والرخاء، و نعم الوكيل؛ رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ
الْمُصِيرُ^{۵۱}؛ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُورِلْنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^{۵۲}؛
رَبَّنَا اضْرِبْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا؛ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا^{۵۳} رَبَّنَا
افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ^{۵۴} رَبَّنَا فَاعْفُورِلْنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ^{۵۵}؛ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا
كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُورِلْنَا
وَإِزْهِنَّا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ^{۵۶}؛ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^{۵۷} و صلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين و
سلم تسليماً^{۵۸}.

۵. تفسیر و توضیح آیه

امام حسین علیه السلام در بندی از دعای بلند عرفه، در مقام تحمید و تسبیح و
اعتراف به توحید، دو آیه قرآن کریم را اقتباس کرده است و با تقسیم آیه به چند
بخش، توضیح تفسیری کوتاهی را به عنوان نتیجه گیری از هر بخش اضافه کرده
است، می‌فرماید:

... و اقول مؤمناً موقناً: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَورُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ
شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ؛ فيضاده فيما ابتدع، و لا وُلِيٌّ مِنَ الدَّلِّ^{۵۹}؛ فيرفده فيما صنع، سبحانه
سبحانه سبحانه، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا^{۶۰} و تفتطرتا. فسبحان الله الواحد
الحق الأحد الصمد الذي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الحمد لله حمداً يعدل
حمد ملائكته المقربين، و أنبيائه المرسلين، و صلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم

۵۱. سوره ممتحنه، آیه ۴.

۵۲. سوره ممتحنه، آیه ۵.

۵۳. سوره فرقان، آیه ۶۶-۶۵.

۵۴. سوره اعراف، آیه ۸۹.

۵۵. سوره آل عمران، آیه ۱۹۴-۱۹۳.

۵۶. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۵۷. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۵۸. الصحیفة الفاطمیة الجامعة، دعای ۳۷، ص ۶۸.

۵۹. سوره اسراء، آیه ۱۱۱.

۶۰. سوره انبیاء، آیه ۲۲.

النبیین وآله الطاهیرین المخلصین...^{۶۱}

۶. جری و تطبیق، تعلیل

در دعای روز سه شنبه، منسوب به امام زین العابدین علیه السلام، در اولین بند حضرت پس از حمد و ثنای پروردگار از خدا می‌خواهد که او را از شر نفس عماره حفظ کند، و آن گاه در مقام تعلیل آیه ۵۴ سوره یوسف را اقتباس می‌کند تا مبرهن سازد که علت پناه بردن از شر نفس به خدا آن است که نفس به بدی و سرپیچی از فرامین حق امر می‌کند و بدین شکل، برای آیه‌ای که از زبان زلیخا در قرآن آمده است، مصداق جدید قرار می‌دهد و می‌فرماید:

الحمد لله، والحمد حقه كما يستحقه حمداً كثيراً، واعوذ به من شر نفسي إِنَّ النَّفْسَ
لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَمَ رَبِّي.^{۶۲}

در همین دعا، در بندی دیگر، سه درخواست مطرح می‌کند و در پی هر درخواست، بخشی از یک آیه را به گونه حلی اقتباس کرده و دلیل آن درخواست قرار می‌دهد. حضرت علیه السلام از خدا می‌خواهد که او را در زمره لشکر، حزب و اولیای خودش قرار دهد و هر یک از این درخواست‌ها را با استناد آیه‌ای از قرآن مبرهن می‌سازد، می‌فرماید:

اللهم اجعلني من جنك فان جنك هم الغالبون،^{۶۳} واجعلني من حزبك فان
حزبك هم المفلحون،^{۶۴} واجعلني من اوليائك فان اوليائك لا خوف عليهم ولا هم
يبحزون.^{۶۵، ۶۶}

۷. تحمید و تبیین سیمای مشرکان و رد عقاید آنان

در دعایی منسوب به حضرت سجاد علیه السلام در مقام وداع ماه مبارک رمضان،^{۶۷} چند آیه را در مقام حمد اقتباس کرده است و در پی آن، به تناسب مضمون آیه، به شرح و تبیین سیمای منحرفان و مشرکان پرداخته، آنان را دروغ‌گو و افتراپرداز می‌خواند و سپس با استفاده از آیات دیگر قرآن، ضمن تکمیل صفات آنان و تبیین سیمای انحرافیشان، عقاید مشرکانه آنان را مردود می‌شمارد، می‌فرماید:

۶۱. مهج الدعوات، ص ۱۸۱؛ مفاتیح الجنان، اعمال روز عرفه.

۶۲. سوره یوسف، آیه ۵۳.

۶۳. سوره صافات، آیه ۱۱۷ و ۱۷۴.

۶۴. سوره مجادله، آیه ۲۲.

۶۵. سوره یونس، آیه ۶۲.

۶۶. الصحیفه السجادیة الجامعة، دعای ۲۴۰، ص ۵۴۷-۵۴۸؛ البلد الامین، ص ۱۲۳؛ مصباح الکفعمی، ص ۱۱۸.

۶۷. این دعا غیر از دعای مشهور در صحیفه است.

والحمد لله رب العالمين على كل حال و «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ
 جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»^{۶۸} کذب العادلون بالله، و
 المفترون على الله الكذب والمدعون غيره لها، قد ضلوا ضلالاً بعيداً، و خسروا خسراً
 مبيناً، و قالوا قولاً عظيماً «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ
 بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»^{۶۹} الحمد لله الذي هدانا
 لدينه الذي لا يقبل عملاً الا باذنه ولا يغفر ذنباً الا لاهله.^{۷۰}

۸. تحذیر، ترسیم چهره انسان در قیامت

در بندی از دعای ابو حمزه ثمالی، امام زین العابدین علیه السلام، به تصویر محشر پرداخته و
 می‌فرماید:

آن‌گاه که انسان با کوله بار سنگینی از گناهان سر از قبر بر می‌دارد، حیران و
 سرگردان و وحشت زده به هر سو می‌نگرد تا مگر آشنایی بیابد و از او کمک
 بخواهد، ولی دریغ و افسوس که احدی از او دستگیری نمی‌کند و هر کس
 سرگرم مشکلات خود است؛ بعضی شادمان و بعضی در اوج گرفتاری با
 چهره‌های به غایت غم گرفته.

حضرت برای ترسیم بخشی از این منظره هول‌انگیز از قرآن استمداد کرده و در
 تصویرگری این صحنه آیاتی را اقتباس کرده است، می‌فرماید:

ابکی لخروجی من قبری عرباناً ذلیلاً، حاملاً ثقلی علی ظهری، انظر مرة عن یمینی،
 و مرة عن شمالی اذ الخلائق فی شان غیر شانی «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ
 يُغْنِيهِ؛ وَوَجْهُهُ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ؛ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ؛ وَوَجْهُهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهِمْ غَبْرَةٌ؛ تَرَاهُهَا
 قَتْرَةً»^{۷۱} و ذلته.^{۷۲}

۹. استناد

در دعایی منسوب به حضرت باقر علیه السلام به هنگام عزم سفر، می‌فرماید:

خدایا قطع امید از همه کس و فقط در پناه تو سفر را آغاز می‌کنم، فقط بر تو
 تکلیف دارم و چاره‌ام فقط توکل بر توست که در پی روزی می‌روم، خدایا تو

۶۸. سوره انعام، آیه ۱.

۶۹. سوره مؤمنون، آیه ۹۱.

۷۰. صحیفه جامعه، دعای ۱۴۳، ص ۳۰۱؛ اقبال الاعمال، ص ۲۴۳.

۷۱. سوره عبس، آیه ۴۰-۳۷.

۷۲. صحیفه جامعه، دعای ۱۱۶، ص ۲۲۶؛ مصباح المنهج، ص ۴۰۱؛ مصباح الکنعمی، ۵۸۸؛ البلد الامین، ص ۲۰۵.

می‌دانی در این سفر برای من چه چیز از خوب و بد مقدر شده است و چه امتحانی در پیش دارم.

آن گاه این مدعای خودش را با اقتباس آیه‌ای و استناد به آن مستدل می‌سازد، می‌فرماید:

اللهم إني خرجت في سفرى هذا بلا ثقة منى بغيرك، ولا رجاء يأوى إلا إليك، ولا قوة أتكل عليها، ولا حيلة ألجأ إليها إلا طلب فضلك. وابتغاء رزقك، وتعرضاً لرحمتك، وسكوناً إلى حسن عبادتك وأنت يا إلهي أعلم بما سبق لى في سفرى هذا مما أحب وأكره، ولما أوقعت على فيه قدرك ومحمود بلائك، فأنت يا إلهي تحوما تشاء وتثبت، وعندك أم الكتاب^{۷۳} اللهم صل على محمد وآل محمد، واصرف عني في سفرى هذا كل مقدور من البلاء...^{۷۴}

۱۰. جری و تطبیق

در دعایی دیگر منسوب به امام صادق علیه السلام زمانی که منصور برای دومین بار ایشان را احضار کرد، پس از مناجات با خدا و اظهار توکل بر او، از خدا می‌خواهد که شر منصور را به خودش برگرداند و پیروزی او را تضمین کند. در پایان بار دیگر خدا را با نام «کافی» مخاطب ساخته و در مقام مناجات به مراتب لطف خدا به دو پیامبر بزرگ و نجات آنان از دو فتنه عظیم اشاره می‌کند و سپس با اقتباس چند آیه، از سویی به معرفی سیمای پیامبر و یاران‌ش استوارش در جنگ احزاب و از دیگر سوی، به ضعف و زبونی و بی‌اثر بودن نقشه‌های دشمنان پیامبر در آوردگاه احزاب و غیر آن پرداخته است. اقتباس آیات در این دعا به هنگام بروز حادثه پیش گفته به معنای جاری ساختن قرآن در بستر زمان و تطبیق مفاد آن بر اشخاص جدید و موقعیت پیش آمده است؛ گویا امام علیه السلام می‌خواهد بفرماید: امام امتداد پیامبر و خط فکری همان، و بنی عباس امتداد ابوسفیان‌ها و خط فکری همان امتداد شرک ولی در چهره نفاق است، می‌فرماید:

اللهم إني أدرك بك في نحره، وأعوذ بك من شره، وأستعينك عليه، وأستكفيك إياه، يا كافي موسى فرعون، و محمد صلى الله عليه وآله الأحزاب. الذين قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم إيماناً وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل، أولئك الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصارهم وأولئك هم الغافلون، لا جرم

۷۳. سوره رعد، آیه ۳۹.

۷۴. الصحيفه الباقريه الجامعه، دعای ۲۱۰، ص ۱۰۳.

أنهم في الآخرة هم الأخسرون، وجعلنا من بين أيديهم سداً ومن خلفهم سداً فأغشيناهم فهم لا يبصرون.

۱۱. استناد، جری و تطبیق، استخراج بطن

در دعایی منسوب به امام کاظم علیه السلام تحت عنوان دعای «احتراز»، در بندی در قالب مناجات، از شر دشمنان به خدا پناه می‌برد و آن‌گاه مستند کلام خودش در این دعا را چهار آیه شریفه قرار می‌دهد که همگی اشاره به مواردی دارد که خدا بندگان صالح را در هنگام خوف از دشمنان و گرفتاری نجات داده است. امام با تطبیق آن آیات بر مصادیق جدید (خودش و دشمنان خودش) به جای پیامبران و بندگان صالح گذشته و دشمنانشان از مبنای جری و تطبیق استفاده کرده و به مقتضای مفهوم عامی که از این جزئیات به دست می‌آید، آیه را مستند دعای خویش ساخته، از خدا می‌خواهد او را از شر دشمنان حفظ کند، می‌فرماید:

اللهم بك أعود [وبك ألوذ] و بك أصول، وإياك أعبد وإياك أستعين،^{۷۵} و عليك أتوكل وأدرء بك في نحر أعدائي، وأستعين بك عليهم، وأستكفيكهم فاكفنيهم بما شئت وكيف شئت، ومما شئت، بحولك وقوتك، إنيك علي كل شيء قدير؛^{۷۶} فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم؛^{۷۷} قال سنشد عضدك بأخيك ونجعل لكما سلطاناً فلا يصلون إليكما بآياتنا أنثما ومن اتبعكما الغالبون؛^{۷۸} لا تخافا إني معكما أسمع وأرى؛^{۷۹} قال أحسوا فيها ولا تكلمون؛^{۸۰} أخذت بسمع من يطالبني بالسوء بسمع الله وبصره وقوته بقوة الله وحبله المتين، وسلطانة المبين فليس لهم عليها سلطان ولا سبيل إن شاء الله، وجعلنا من بين أيديهم سداً ومن خلفهم سداً فأغشيناهم فهم لا يبصرون.^{۸۱، ۸۲}

۱۲. توصیف پیامبر و اهل بیت

امام رضا علیه السلام در دعایی به مقصود طلب فرج به اسمای حسناى الهی متوسل می‌شود و

۷۵. سوره فاتحه، آیه ۵.

۷۶. سوره آل عمران، آیه ۲۶؛ سوره تحریم، آیه ۸.

۷۷. سوره بقره، آیه ۱۳۷.

۷۸. سوره قصص، آیه ۳۵.

۷۹. سوره طه، آیه ۴۶.

۸۰. سوره مؤمنون، آیه ۴۸.

۸۱. سوره یس، آیه ۹.

۸۲. الصحیفه الکاظمیه الجامعه، دعای ۴۳، ص ۵۹-۶۰؛ مهج الدعوات، ص ۳۹.

در آغاز، شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر داده بر او و اهل بیت پاکش علیهم السلام صلوات می فرستد، در ضمن فقره اول با اقتباس بخش هایی از آیات قرآن، پاره ای از اسمای حسناى الهی را اقتباس کرده، می گوید:

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، خالق الخلق، وقاسم الرزق، وفالق
الاصباح وجعل الليل سكناً والشمس والقمر حسباناً ذلك تقدیر العزيز العليم؛^{۸۳} لا
اله الا هو العزيز الحكيم.

در ادامه، در مقام شهادت به نبوت پیامبر گرامی، به شمردن اوصاف آن حضرت پرداخته، در قالب اقتباس آیات، این توصیفات را تکمیل می کند: و اشهد ان محمداً عبده ورسوله وولیه و نبيه و خلیله و سفیه و حبیبه و خالصته من خلقه، و امینه علی وحیه و ارسله رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لؤکره المشرکون؛^{۸۴} بشیراً و نذیراً^{۸۵} و داعياً الی الله یأذنه و سراجاً منیراً.^{۸۶}

سپس بر پیامبر و آلش درود فرستاده، با اقتباس آیه تطهیر، برجسته ترین ویژگی اهل بیت علیهم السلام - عصمت - در قرآن را یاد آوری کرده، آن گاه خدای را با اسماء حسنايش خوانده و درخواست فرج می کند؛ می فرماید:

صلی الله علیه و علی اهل بینه الذین اذهب الله عنهم الرجس، و طهرهم تطهیراً^{۸۷} یا مقوی کل ذلیل، و معز المؤمنین، و منذل الجبارین، قد و حقک بلغ منی المجهود، ففرج عنی یا ارحم الراحمین.^{۸۸}

۱۳. امید بخشی و لزوم توکل

در دعایی منسوب به حضرت جواد علیه السلام در مقام تعویذ، ابتدا از شر انواع شیاطین به خدا پناه می برد، و توصیفات متناسب از قبیل «رب المشارق و المغرب» به کار می برد و در ادامه، چند آیه قرآن را اقتباس می کند که همگی امیدبخش است و این نوید را می دهد که اولاً خدا شیاطین را دور می کند و مواظب است به انسان آسیبی نرسد و ثانیاً مهربان است و خیرخواه همه چیز و همه کس و ثالثاً در پی آسان گیری است و نه سختی آفرینی و تجلی

۸۳. سوره انعام، آیه ۹۶.

۸۴. سوره صف، آیه ۹.

۸۵. سوره بقره، آیه ۱۱۹؛ سوره سبأ، آیه ۲۸؛ سوره فاطر، آیه ۲۴؛ سوره احزاب، آیه ۴۵.

۸۶. سوره احزاب، آیه ۴۶.

۸۷. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۸۸. الصحیفه الرضویه الجامعه، دعای ۲۳، ص ۳۰؛ البلد الامین، ص ۴۴۹.

رحمت او نسبت به بندگان پیوسته بیشتر است و رابعاً هر کس بر او توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد و در پایان هم، پس از این که این آیات امید بخش را اقتباس می‌کند، با تهلیل خود را در پناه عزت و قدرت خدا و آبروی رسول او قرار می‌دهد، می‌فرماید:

أعيذ نفسي برب المشارق والمغرب، ومن كل شيطان مارد، وقائم وقاعد وعدو و
 حاسد و معاند، و ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به و يذهب عنكم رجز
 الشيطان و ليربط على قلوبكم و يثبت به الاقدام،^{۸۹} ارض برجلک هذا مغتسل بارد و
 شراب^{۹۰} و أنزلنا من السماء ماء طهوراً لنحیی به بلدة ميتاً و نسقيه مما خلقنا أنعاماً و
 أناسی كثيراً،^{۹۱} الان خفف الله عنکم^{۹۲} ذلك تخفيف من ربکم و رحمة،^{۹۳} يريد الله أن
 يخفف عنکم، فسيكفيهم الله و هو السميع العليم،^{۹۴} لا إله إلا الله و الله غالب على
 أمره،^{۹۵} لا إله إلا الله محمد رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم تسليماً.^{۹۶}

۱۴. منشأ انحراف گمراهان

در دعایی مناجات‌گونه منسوب حضرت هادی علیه السلام در یک بند - که بر مشرکان و خراصان و جباران و اهل افک نفرین می‌کند - با اقتباس آیه‌ای از قرآن به توصیف آنان پرداخته و همه مصداق آیه ساخته، نشان می‌دهد وجه اشتراک همه این گروه‌ها گمان باطل نسبت به قرآن است؛ چون به وحیانی بودن قرآن اعتقاد ندارند، هر یک به گونه‌ای دچار انحراف شده‌اند. این می‌تواند هشدار باشد که جدایی از قرآن منشأ هر انحراف عقیدتی و اقدام ناصواب است؛ اعم از آنچه در این دعا آمده و آنچه نیامده و در آینده می‌تواند اتفاق بیفتد. پس امام با این اقتباس نوعی تطبیق انجام داده و قانون عامی را یاد آور شده است، می‌فرماید:

اللهم يا مالک يوم الدين، العالم بخفايا صدور العالمين، طهر الأرض من نجس
 أهل الشرك، و آخرس الخراصين عن تقوهم على رسولک الإفک، اللهم اقصم
 الجبارين، و أبر المفتريين، و أيد الأفاکين الذين إذا تتلى عليهم آيات الرحمن قالوا

۸۹. سوره انفال، آیه ۱۲.

۹۰. سوره ص، آیه ۴۲.

۹۱. سوره فرقان، آیه ۵۲-۵۱.

۹۲. سوره انفال، آیه ۶۸.

۹۳. سوره بقره، آیه ۱۷۵.

۹۴. سوره بقره، آیه ۱۳۷.

۹۵. سوره یوسف، آیه ۲۲.

۹۶. الصحیفه الجوادیه الجامعه، دعای ۲۶، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ البلد الامین، ص ۲۰۶؛ مصباح المنهج، ص ۴۸۹.

أساطير الأولين^{۹۷، ۹۸}

۱۵. طلب ثبات قدم در مسیر هدایت

در دعایی منقول از امام حسن عسکری علیه السلام به هنگامی که برای نماز روزه قبله می ایستد، بعد از آن که اخلاص خود در توحید، ایمان و توکلش را یاد آور می شود، با اقتباس حلی یک آیه از خدا می خواهد که او را بر مسیر توحید و ایمان و توکل ثابت قدم بدارد، می فرماید:

اللهم إلیک توجهت و رضاک طلبت، و ثوابک ابتغیت و لک أمنت و علیک توکلت،
اللهم افتح مسامع قلبی لذکرک، و ثبت قلبی علی دینک و دین نبیک و لا تنزع قلبی
بعد إذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة إنک أنت الوهاب^{۹۹، ۱۰۰}

کتابنامه

- اثر القرآن الکریم فی الشعر الاندلسی، محمد شهاب العانی، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة، اول، ۲۰۰۲ م.
- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، تحقیق: سعید المنسوب، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.
- الاقتباس، انواعه و احکامه، عبد المحسن بن عبد العزیز العسکر، ریاض: مکتبة دار المنهاج، اول، ۱۴۲۵ ق.
- البلد الامین، ابراهیم بن علی کفعمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ ق.
- التعریفات، علی بن محمد جرجانی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ ق.
- الدرر الواقیة، علی بن موسی بن طاووس، قم: مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۴ ق.
- الصحیفه الرضویة الجامعة، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، اول، ۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸ م.
- الصحیفه السجادیة الجامعة، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، چهارم، ۱۴۱۸ ق.
- الصحیفه العلویة الجامعة، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، اول، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۷ ش.

۹۷. سوره قلم، آیه ۱۶؛ سوره مطفین، آیه ۱۳.

۹۸. الصحیفه الهادیة الجامعة، دعای ۸، ص ۱۶۶؛ مهج الدعوات، ص ۸۲؛ البلد الامین، ص ۶۵۸.

۹۹. سوره آل عمران، آیه ۷.

۱۰۰. الصحیفه العسکرية الجامعة، دعای ۲۳، ص ۲۲۸؛ جمال الاسبوع، ص ۱۴۹-۱۵۰.

- الصحیفه الفاطمیه الجامعة، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، اول، ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش.
- الفصول المهمة فی معرفة الائمة، ابن صباغ مالکی مکی، تحقیق: سامی الغریبی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۲.
- المصباح فی الادعیة والصلوات، ابراهیم بن علی کفعمی، تهران، ۱۳۴۹ق.
- المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چهارم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سید محمد راستگو، تهران: سمت، ششم، ۱۳۸۷ش.
- تفسیر سوره حمد، امام خمینی، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، سوم، ۱۳۷۶ش.
- جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر آفاق، اول، ۱۳۷۱ش.
- رساله نور علی نور، حسن حسن زاده آملی، ضمیمه، مفتاح الفلاح، تهران: انتشارات حکمت، ششم، ۱۳۸۴ش.
- غرر الحکم، عبد الواحد آمدی، ترجمه: محمد علی انصاری، قم: دارالکتب، بی تا.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: مؤسسه دارالهیجرة، ۱۴۰۹ق.
- کشف الغمة فی معرفة الائمة، ابن ابی فتح الاربلی، بیروت: دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۵ق.
- مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، تهران: مکتبه مرتضوی، دوم، ۱۳۶۲ش.
- مختصر المعانی، سعد الدین تفتازانی، قم: دارالفکر، اول، ۱۴۱۱ق.
- مصباح المتعجد، محمد بن حسن طوسی، بیروت: مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۱ق.
- المصباح المنیر، آیه الله علی مشکینی، قم: الهادی، هفتم، ۱۳۷۹ش.
- معجم آیات الاقتباس، حکمة فرج البدری، بغداد: دار الرشید، ۱۹۸۰م.

- مہج الدعوات، علی بن موسیٰ بن طاووس، بیروت: بی نا، ۱۴۱۴ق.
- نفس المهموم، شیخ عباس قمی، ترجمہ: آیت اللہ کمرہ‌ای، تہران: کتابخانہ اسلامیہ، اول،
۱۳۶۳ش.
- وصیت نامہ الہی سیاسی امام خمینی، مشهد: کتابخانہ مرکزی آستان قدس، ۱۳۶۹ش.

